

چگونگی حج و عمره و زیارت با دعا

تهیه و تنظیم:

دفتر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه: اسحاق بن عبداللہ دبیری العوضی
رحمہ اللہ

چاپ و نشر

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

عریستان سعودی

ح) وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ١٤٣٢ هـ

فهرست مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

لجنة هدية الحاج والمعتمر

صفة الحج والعمرة والزيارة. / لجنة هدية الحاج والمعتمر..

الرياض، ١٤٢٥ هـ.

١٤٠ ص، ١٢ × ١٧ سم

ردمك، ٦ - ٤٨٤ - ٢٩ - ٩٩٦٠

(النص باللغة الفارسية)

أ - العنوان

٢ - العمرة

١ - الحج

١٤٢٥/٥٩٩٦

ديوي ٢٥٢،٥

رقم الإيداع، ١٤٢٥/٥٩٩٦

ردمك، ٦ - ٤٨٤ - ٢٩ - ٩٩٦٠

الطبعة الثانية عشرة

١٤٣٦ هـ

چگونگی حج و عمره و زیارت با دعاء

تهیه و تنظیم: دختر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه: اسحاق بن عبداللہ دبیری العوضی

رحمہ اللہ

ناشر

معاونت مطبوعات و پژوهش علمی

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

۱۴۳۲ هـ



صفحة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء

فهرست مطالب

ص	عنوان	ر
٤	فهرست مطلب	١
٦	مقدمه كتاب	٢
١١	فضيلت حج و عمره	٣
١٤	حكم حج و عمره	٤
١٥	شروط قبول حج	٥
٢٤	انواع نسكها	٦
٣١	ميقات گاهها	٧
٣٦	اعماليكه حاج و معتمر در ميقات انجام مي شود	٨
٤١	محظورات احرام	٩
٤٨	دخول مكه و مسجد الحرام	١٠
٥١	طواف عمره	١١



صفت حج و عمره و زیارت با دعا

- ۵۸ ۱۲ بعضی از اشتباهات و اخطای
طواف
- ۶۲ ۱۳ سعی عمره
- ۶۹ ۱۴ آخرین اعمال عمره
- ۷۲ ۱۵ اعمال حاج در روز ترویج
- ۷۵ ۱۶ اعمال روز عرفه
- ۸۰ ۱۷ اشتباهاتی که در روز عرفه رخ می‌دهد
- ۸۴ ۱۸ ماندن شب در مزدلفه
- ۸۹ ۱۹ اعمال روز عید (۱۰ ذی حجه)
- ۱۰۲ ۲۰ اعمال روزهای تشریق
- ۱۰۷ ۲۱ طواف وداع
- ۱۱۰ ۲۲ زیارت مسجد رسول الله ﷺ
- ۱۲۸ ۲۳ ادعیه از قرآن و سنت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، الحمد لله جعل البيت الحرام مثابة للناس وأمناً، تهفوا إليه قلوب عباده المؤمنين، والصلاة والسلام على الحبيب المصطفى خير من حج البيت واعتمر، المبعوث رحمة للعالمين، أدى الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد في الله حق جهاده، أرسله الله بالإسلام، يهدي به العباد ويخرجهم من ظلمات الكفر والشرك، إلى شمس الإسلام وسراجة المنير.

قَالَ تَعَالَى: ﴿ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۗ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا آلِ كُتُبٌ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۗ وَإِنَّكَ



لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿الشوری: ۵۲﴾.

«همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم؛ و تو مسلما به سوی راه راست هدایت می کنی».

خدایا! سپاس برای تو است که دین را شرع نمودی، و سپاس برای تو است که فرمان دادی، و سپاس برای تو است که آسان



گردانیدی و سرنوشت نمودی.

برادر و خواهر مسلمان!

مکه، مکرمه بهترین زمین و محبوبترین جا
نزد خداست، در آن مسجد الحرام و کعبه
مشرفه وجود دارد که خدا آنرا قبله مسلمانان
قرار داده است، و تمامی مردم در هر شبانه
روز پنج بار برای اطاعت از خدا و اجابت
ندای حق بسوی آن رو می کنند، مکه مهد
انبیاء و مقام پدرمان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و مبعث
پیامبرمان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

تو ای برادر هنگامی که در کشور خود
بودی، و به سوی مکه، مکرمه و کعبه مشرفه



نماز می خواندی، و مردم را می دیدی که در حرم نماز می خوانند، و از خدا می خواستی که تو نیز یکی از آن مردمی باشی که در حرم هستند، چنان که آنان دور کعبه طواف می کنند، تو نیز طواف کنی، و نماز بخوانی چنان که آنها نماز می خوانند، و آب زمزم بنوشی، و سعی بین صفا و مروه بکنی، و خدا را در بهترین مکان عبادت کنی.

ای برادر و خواهر مسلمان! خدا را دعا کردی تا حج و عمره را برایت میسر گردانید، و دعایت را اجابت کرد، و آسان گردانید، و خواستهات را برآورده کرد، پس خدا را سپاس،



تو در حال حاضر راهی خانه خدا هستی، و ای برادر حق تو بر ما این است که تو را در این سفر همراهی کنیم، و از آغاز سفر خود به بلد الحرام، تا رجوع به سوی خانوادهات با سلامتی و اجر و پاداشی فراوان، چگونگی حج و عمره را برایت بیان کنیم.

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید: السعودیة: الرياض - الرمز البريدي:
(۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳).

www.aqeedeh.com

ES@AL-ISLAM.COM



فضیلت حج و عمره

حج و عمره برای کسی که نیت خود را برای خدا خالص کند، و اعمال آنرا بطوری که در قرآن و سنت شریف آمده انجام دهد، فضیلت بسیار بزرگی را دارد.

أبو هریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند: «من أتى هذا البيت فلم يرفث ولم يفسق رجع كما ولدته أمه» لمسلم.

هر کس به زیارت این خانه (کعبه) بیاید، و با زن خود نزدیکی نکند، و مرتکب معصیت و گناهی نشود، چنان از گناهانش پاک می شود، که گوئی تازه از مادرش متولد

شده است.

یعنی چنان رجوع می کند مانند کودکی که هیچ گناهی انجام نداده است.

أبو هريره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمودند: «العمرة إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة». [متفق علیه].

عمره تا عمره دیگر کفاره گناهانی است که بین آن انجام می شود، هیچ جزا و پاداشی برای حج مبرور جز بهشت نیست.

صفت حج مبرور برادر مسلمان چنین است که هیچ ریا، سمعی، گناه و معصیتی



صفت حج و عمره و زیارت با دعا

در آن نباشد، و آنرا بر وجه کامل چنانکه
خدا و رسول خدا ﷺ امر کرده‌اند انجام
داده باشد.

حکم حج و عمره

حج رکن پنجم از ارکان اسلام است، و تمامی امت اسلام از عصر نبوت بر وجوب حج اقرار دارند و آنها بر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد که استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران ۹۷].

«و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج



را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است».

اما عمره - ای برادر و خواهر مسلمان - در قول صحیح از اقوال علماء فقط یکبار در عمر واجب است، حال اینکه این عمره با حج باشد، یا اینکه تنها انجام شود، یعنی در غیر وقت حج، در هر وقت از سال، و بر مسلمان بالغ و عاقل که توشه و راه رسیدن به مکه داشته باشد، واجب است.

شروط قبول حج:

برادر و خواهر مسلمان! حج و عمره عبادتی برای خدای عزوجل است، و هر عبادت

کوچک یا بزرگ قبول نمی‌شود مگر با دو شرط مهم، تا اینکه خشنودی خدا و بهشت را کسب نمائی.

شرط اول: اینکه عبادت خالصاً برای رضا و خشنودی خدا باشد، هیچ کس از مخلوقات خدا را در آن شریک قرار ندهد.

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «أنا أغنى الشركاء عن الشرك من عمل عملاً أشرك فيه معي غيري تركته وشركه» لمسلم.

من از کسانی که برایم شریک قائل می‌شوند بی‌نیازترین شریکان هستم،

هرکس عملی انجام دهد و با من کسی دیگر را شریک قرار دارد، او و شرکش را ترک خواهم کرد.

یعنی خدا از بنده‌اش عملی را که در نیت آن کسی را شریک قرار داده، قبول نمی‌کند، و من جمله به جای آوردن حج یا عمره برای اینکه مردم ببینند یا بشنوند (قصدهش شهرت باشد)، چون که همه اینها اعمال را نابود می‌کند، پس ای برادر و خواهر از این برحذر باش.

شرط دوم: پیروی کردن از پیامبر ﷺ.

هر عبادتی که خدا به آن امر فرموده

رسول الله ﷺ صفت و چگونگی آنرا به ما می آموزد، و آنرا در کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ می بینیم.

و هیچ عبادتی نیست مگر اینکه صفت خاصی دارد، مثلاً نماز صفت خاصی دارد، و همچنین زکات، روزه، رمضان، حج و سایر عبادتها ویژگی خاصی دارند.

و رسول الله ﷺ مناسک حج را ادا می کردند، و می فرمودند: «خذوا عني مناسككم» [مسلم با الفاظ متقارب]. از من مناسک و راهنمای حج خود را بیاموزید.

یعنی بنگرید من در اعمال حج و عمره چه

می‌کنم، شما هم به من تأسی و اقتدا کنید.
 و از هر چیزی بطور اضافی در دین بر
 حذر می‌داشتند، چنانکه فرمودند: «من عمل
 عملاً لیس علیه امرنا فهو رد». [مسلم].
 «هرکس عملی انجام دهد که امر و
 فرمان ما بر آن نیست، آن عبادت مردود
 است».

یعنی هر عبادتی که بر آئین خدا و رسول
 خدا ﷺ نباشد، آن عبادت مردود و غیر قابل
 قبول است.

ای برادر و خواهر مسلمان! این دو شرط را در
 تمامی عبادتها مد نظر داشته باش، و در حج و

عمره بدان که مهمترین چیزی که بر تو واجب است، این است که متأكد شوی آیا آنرا با اخلاص انجام داده‌ای؟ آیا حج و عمره را چنانکه خدا و رسولش ﷺ امر کرده‌اند انجام داده‌ای؟
خدایا! تمامی اعمال ما را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار بده.

خدایا! ما در آن هیچ ریا و سمعی نمی‌خواهیم، و آنرا چنانکه تو و رسولت امر کرده‌اید انجام می‌دهیم، آمین.

ای برادر مسلمان! اگر عزم سفر بسوی خانه خدا برای ادای حج کردی، توشه و نفقه خود را از مال پاک و حلال قرار ده، و با

دوستان خوب و صالح و نیک که تو را بر طاعت و فرمان خدا کمک می‌کنند، سفر کن، و احکام خاص به حج را بیاموز، تا در اشتباهاتی که حج‌ات را فاسد کند نیفتی، و اگر به اشتباه و اشکالی برخورد کردی از علماء سؤال کن، چنان که رسول الله ﷺ فرمودند: که علماء وارثان انبیاء هستند. [أبو داود].

برادرا یادآوری می‌کنیم که در داخل مسجد الحرام و مشاعر مقدسه دفترهایی ویژه فتوا و ارشاد اسلامی و تلفن‌هایی ویژه زنان وجود دارد که هنگام سؤال و اشکال و

اشتباهات در مورد حج و عمره و مسایل شرعی می‌توان با آنها تماس گرفت، خداوند پاداش خیر به قائمین بر آنها بدهد.

بر زنان واجب است که با کسانی که محرم او هستند سفر کنند مانند: پدر، برادر، پسر، شوهر، و مانند اینها، و اگر تنها و بدون محرم سفر کند، حج او صحیح، ولی گناهکار است. و الآن ما و شما در حساب و وسعت (فراخی) این دین عظیم، و احکام عبادتی از عبادات بزرگ داخل می‌شویم، پس با تو سفر بسوی بهترین مکان را در زمین شروع می‌کنیم، زمینی که خدا در آن برکت



صفت حج و عمره و زیارت با دعا

فرستاده، و آنرا أمن و امان قرار داده است؛ و
کسانیکه در آن هستند ایمن می‌باشند، بسوی
بیت الله الحرام.



أنواع نسكها^(۱)

برادر مسلمان! برای حج سه نسک است که حج یکی از آنها را اختیار می‌کند، و هر کدام را که انجام دهد حج او صحیح است، و نسکها چنین می‌باشد:

نسک اول: تمتع:

حج برای عمره در یکی از ماه‌های حج احرام می‌بندد، و ماه‌های حج عبارتند از: شوال، ذی‌قعدة، ده روز از اول ذی‌حجه، و می‌گوید:

(۱) نسک: منسک، راه دین و روش عبادت، (فرهنگ بزرگ جامع نوین).

منسک: راه و روش عبادت، مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

لبیک عمره، سپس اعمال عمره را بطور کامل انجام می‌دهد، و هرگاه طواف و سعی انجام داد و سر را تراشید یا کوتاه کرد عمره او پایان رسیده و همه چیز که قبل از احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌گردد.

پس روز هشتم ذوالحجه از جای سکونت خود فقط برای حج، احرام می‌بندد، و می‌گوید: **لبیک حجاً**، و بر متمتع یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو هدی^(۲) واجب است، اگر پیدا نکرد سه روز در حج و هفت

(۲) هدی در زبان فارسی شکرانه گویند، آن حیوانی که در صحرای منی ذبح می‌شود.

روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

بنابر صحیح‌ترین اقوال علماء، حج تمتع بهترین سه‌نسک بشمار می‌رود، آنهم برای کسی که قربانی با خود همراه ندارد، زیرا پیامبر ﷺ بعد از اینکه بین صفا و مروه سعی نمودند فرمودند: «من كان منكم ليس معه الهدى فليحل وليجعلها عمرة» [متفق علیه].

هرکس از شما با خود هدی همراه ندارد از احرام بیرون بیاید و آنرا به عمره تبدیل کند.

چون حاج در سفر خود حج و عمره را با هم جمع کرده است.

نسک دوم: قران:

حاج برای انجام حج و عمره با همدیگر در ماه‌های حج در میقاتگاه نیت کرده، می‌گوید: **(لبیک عمرة وحجاً)**، و وقتی به مکه رسید طواف عمره کرده و برای حج و عمره فقط یک سعی می‌کند، و اگر خواست سعی حج را به بعد از طواف افاضه بتأخیر می‌اندازد، سپس بر احرام خود باقی مانده سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کند تا اینکه روز هشتم ذوالحجه به منی رفته و باقی نسک خود را به پایان می‌رساند.

و قارن مانند متمتع هدی بر او واجب



صفتة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء

است، و اگر هدی پیدا نکرد (یا نتوانست) سه
روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به
خانواده روزه می گیرد.

نسک سوم: افراد.

حاج فقط برای حج در ماه‌های حج نیت کرده و احرام می‌بندد و می‌گوید: (لَبَّيْكَ حِجًّا)، و شخص مفرد عمل قارن را انجام می‌دهد جز اینکه قارن ببر او هدی واجب است، ولی مفرد چنین نیست چون مانند متمتع و قارن بین حج و عمره با هم جمع نکرده است.

و حاج بین سه نسک گذشته مخیر است، ولی برای کسی که با خود هدی همراه ندارد حج متمتع بهتر است، چنانکه قبلاً ذکر شد.

برادر مسلمان و خواهر را اگر بسوی خانه



خدا، بیت الله الحرام، متوجه شدی، و قصد انجام حج و عمره را داشتی اولین چیزی که باید انجام دهی ؛ نیت کردن از میقات است. آنها نیت دخول به حج یا عمره.

و هر کس بخواید به مکه برود و قصد حج یا عمره دارد باید از میقات نیت کند.

میقات جاهای معلومی است که رسول الله ﷺ برای کسانی که از تمامی نقاط زمین قصد زیارت خانه خدا را دارند تعیین کرده است، و قبل از رسیدن به بیت الله الحرام از آنجا نیت می کنند.





میقات گاهها چنین هستند

ذو الحلیفه:

میقات اهل مدینه، و کسانی که از آن راه به مکه می‌روند، تا مسجد النبوی (۱۳) کیلومتر فاصله دارد، و آن دورترین میقات از مکه می‌باشد، که تا مکه (۴۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر آن را آبیار علی ﷺ می‌نامند.

الجحفه:

قریه‌ای نزدیک به شهر رابغ است، در حال حاضر مردم از رابغ نیت می‌کنند، چون کمی قبل از جحفه می‌باشد، و تا مکه (۲۸۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنهم میقات اهل شام

و مصر و شهرهای شمالی عربستان سعودی،
و کشورهای آفریقای شمالی و غربی، و
کسانیکه از آن راه بروند می باشد.

قرن المنازل:

آنرا سبیل الکبیر می نامند، و تا مکه (۷۸)
کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل نجد،
تمامی اهالی شرق عربستان (شیخ نشینان
خلیج)، عراق، ایران، و کسانی است که از آن
راه می روند، و در حال حاضر مقابل و برابر
آن (وادی محرم) که در جاده (الهدا) غربی
شهر طائف، که تا مکه (۷۵) کیلومتر فاصله
دارد، میقات اهل طائف، و کسانی است که



از آن راه می‌روند و در حقیقت میقات
مستقلی نیست.

یلملم:

در حال حاضر (السعدیه) نام دارد، و تا
مکه (۱۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات
اهل یمن و کسانی است که از آن راه می‌روند.

ذات عرق:

میقات اهل عراق و ساکنان مشرق
عربستان است، در حال حاضر بسبب عدم
وجود راه بسوی آن مهجور می‌باشد، و تا
مکه (۱۰۰) کیلومتر فاصله دارد، و در حال
حاضر مردم از سیل کبیر، و یا از ذو الحلیفه

نیت (احرام) می‌بندند.

اما ساکنان مکه برای ادای حج از خانه‌های شان، و برای عمره از تنعیم^(۳)، یا هر جایی خارج از حدود حرم نیت می‌کنند.

هر کس قبل از این میقات‌ها سکونت داشته باشد، مانند: ساکنان شهر جده، بحره، شرائع، و غیر از اینها، برای حج و عمره از خانه‌های شان نیت می‌کنند.

بر هر مسلمانی که قصد حج دارد و بر این میقاتها عبور می‌کند واجب است که از آنجا احرام و نیت ببندد، و اگر از آن عبور

(۳) تنعیم: در حال حاضر آنرا مسجد عایشه رضی الله عنها گویند.

کرد و قصد حج را داشت و نیت نکرد، واجب است که به آن میقات برگشته و نیت کند، اگر اینکار را نکرد، فدیة بر او واجب می‌شود، و آن گوسفندی است که باید در مکه ذبح شود و بین فقرای حرم توزیع گردد، و هرکس در حالت فراموشی و یا در حال خواب از میقات عبور کرده و نیت نکرد، هرگاه به یادش آمد واجب است که به میقات برگردد، و اگر این کار را نکند - چنانکه گذشت - بر او فدیة واجب است.



اعمالی که حاج و معتمر در میقات انجام می‌دهد

برادر مسلمان! هرگاه از راه ماشین و غیره به میقات رسیدی، سنت است که غسل کرده، تمامی بدن خود را معطر، و اگر میسر شد ناخن‌های خود را کوتاه کن، سپس لباس احرام بپوش (دو عدد ازار و رداء سفید و بهتر است که نو، و یا نظیف و پاک باشد).

واجب است که لباس احرام بدون عطر و بوی خوش باشد در غیر این صورت باید عطر و بوی خوش آن شسته شود.

زن لباس معین و سنتی ندارد، بلکه هر

لباسی که خواست می‌پوشد، لکن لباسی محتشم (بدون زینت) می‌پوشد، و از اسباب فتنه خودداری می‌کند، و زن اگر بر مردان (غیر محرم) عبور می‌کند عطر و بو خوشی استعمال نمی‌کند.

برادر مسلمان! مستحب است که بستن احرام و نیت، بعد از یکی از نمازهای فریضه باشد، و اگر در غیر وقت نماز فریضه بود، دو رکعت نماز سنت وضوء را ادا می‌کنی.

اگر از تمامی اینها فارغ شدی نیت کرده و می‌گویی: **لَبَّيْكَ عُمْرَةً**، اگر متمتع باشی، و یا می‌گویی **لَبَّيْكَ عُمْرَةً وَحَجًّا**، اگر قارن

باشی، و یا می گویی لیبک حجاً اگر مفرد باشی، سپس تلبیه می گوئی چنانکه رسول الله ﷺ گفتند: (لیبک اللهم لیبک، لیبک لا شریک لک لیبک، إن الحمد و النعمة لک و الملک، لا شریک لک). [متفق علیه].

[گوش بفرمانم، ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، گوش بفرمانم، همانا ستایش و نعمت و سلطنت از آن تو است و تو شریکی نداری].

ای برادر و خواهر مسلمان! اگر قدم تو از طریق دریا، و یا هواپیما بیایی، معمولاً خلبان و ناخدا هنگام نزدیک شدن به میقات مردم را

آگاه می‌کند، تا برای بستن احرام و نیت کردن آماده شوند، و هرگاه به مقابل میقات رسیدند نیت حج می‌کنند، چنان که قبلاً ذکر کردیم.

و هیچ اشکالی ندارد که در این حال قبل از خارج شدن از خانه لباس احرام پوشیده شود، و به هواپیما و یا کشتی سوار شوید، و هرگاه به مقابل میقات رسیدید نیت دخول به نسک کرده و تلبیه بگوئید.

و باید حاج بسیار تلبیه بگوئید، و صدای خود را با گفتن آن بلند کند، ولی زن صدای خود را بلند نمی‌کند، بلکه با خود تلبیه



می گوید، به اندازه ای که خود و اطرافیان
خود بشنوند، و همچنان تلبیه می گوید تا
اینکه طواف عمره را شروع نماید. و برای
حاج تا اینکه جمرة العقبه را در روز عید
رمی کند.





محظورات احرام

برادر حاج! داخل شدن تو در منسک حج و عمره چیزهایی بر تو حرام می‌گرداند که آنرا محظورات احرام می‌نامند، که عبارتند از:

۱ - از بین بردن مو با تراشیدن و یا غیره، کوتاه کردن ناخن‌های دست و پا، و اگر محرم احتیاج داشت جایز است سر خود را بخاراند، و اگر موئی بدون قصد یا بطور فراموشی و یا بطور نادانی از سرش افتاد، چیزی بر او واجب نیست.

۲ - عطر در لباس و یا در بدن و غیره استعمال نمی‌کند، اما عطری که قبل از نیست

در بدن و سر خود استعمال کرده بود، مانند آن بعد از احرام اشکالی ندارد.

۳ - محرم با زن خود نزدیکی و همبستر نمی‌شود، و با شهوت مباشرت نمی‌کند، و او را بوسه نمی‌دهد، و با شهوت به او نمی‌نگرد، و محرم خواستگاری نمی‌کند، و عقد نکاح چه برای خود و چه برای دیگران انجام نمی‌دهد، تا هنگامیکه محرم است.

۴ - محرم دستکش نمی‌پوشد.

۵ - محرم از کشتن حیوان یا اذیت و کمک به صید چیزی منع شده است، مانند: خرگوش، کبوتر و اگر صید داخل حدود

حرم باشد بر همه کس چه محرم یا غیر محرم حرام است.

۶ - بر مرد پوشیدن قمیص (جامه) یا هرگونه دوختنی بر تمامی جسم، و یا بر بعضی از آن حرام است، مانند: زیر شلوار، پیراهن داخلی، عمامه، کلاه، و موزه، ولی اگر کسی احرامی ندارد، یا فراموش کرده بود و در هواپیما بود، هر لباسی را بصورت ازار پوشد، و اگر پیدا نکرد زیر شلوار می پوشد، و همچنین اگر نعلین پیدا نکرد، موزه (خف) می پوشد، و
 ان شاء الله هیچ اشکالی در آن نیست.

و محرم می تواند هر نعالی که احتیاج داشته

باشد پیوشد، و همچنین ساعت مچی، انگشتر، عینک، گوشی و کمربندی که پول و چیزهای دیگر در آن نگه می‌دارد اشکالی ندارد.

۷ - بر مرد محرم پوشیدن سر با چیزی که به آن چسپیده باشد مانند احرامی، و عمامه و غتره (دستمال)، و کلاه حرام است. ولی اگر چتر، یا خیمه، یا سقف ماشین، یا امتعه^۱ خود را بر بالای سر حمل کند، اشکالی ندارد، و اگر محرم سر خود را از روی فراموشی و یا جاهلانه پوشید، در حال تذکر باید آنرا از سر بردارد، و هیچ چیزی بر او واجب نمی‌شود.

۸ - بر زن محرم حرام است که دستکش بپوشد، و چهره خود را با نقاب (روبند) پوشیده و چشمهایش را باز کند، همه اینها در وقت احرام حرام است، بلکه بر زن واجب است که صورت خود را با روپوش شرعی (اسلامی) در حال عبور بر مردها، یا عبور مردها بر او در تمامی حالتها؛ چه در حالت احرام و چه در غیر آن، بپوشاند.

کندن و بریدن درختان و گیاهان (کاشته نشده) حرم بر محرم و غیر محرم حرام است، و هر چیزی که در حرم پیدا شود نباید برداشت مگر برای معرفی کردن آن.

برادر ممکن است احتیاج به تغییر لباس احرام و یا پاک کردن آن، و یا شستن سر و بدن خود داشته باشی، هیچ اشکالی در اینها نیست، اگر هم موئی بدون عمد افتاد بر تو چیزی واجب نمی شود.

حاج گرامی! هنگام داخل شدن در نسک بر تو واجب می شود که از گناهان دوری کنی، و ذکر خدا و تلبیه را بسیار بگوئی، و از غیبت و عیب جوئی، و سخن چینی، و دعوا که بسیار میان بعضی از مردم رخ می دهد - خدا آنها را هدایت کند - و حج و عمره را فاسد می کند برحذر باش.

همچنین بر تو واجب است که چشمان خویش را فرو گیری، و گوش خویش را از شنیدن حرام نگه داری، و به سوی خدای خود توجه کنی، و تلبیه را ادامه داده و ذکر و یاد خدا کرده و قرآن تلاوت نمایی، فقط به عبادت و ذکر خدا مشغول باش، از خدا برای تو خواهان قبول و یاری هستیم، و از خدا بهترین اعمال و بهترین حاجات خواهانیم.



دخول مکه و مسجد الحرام

برادر و خواهر مسلمان! رسول الله ﷺ وقتی به مکه مکرمه رسیدند غسل نمودند. [متفق علیه]، پس هنگام رسیدن به مکه مکرمه غسل نمودن سنت است، و نزدیک حرم اماکن بسیاری برای وضوء و غسل آماده شده است، از خدا خواهانیم اجر کسیکه به این اماکن امر کرده تا برای میهمانان خانه خدا آماده شود در ترازوی اعمال نیک او قرار دهد.

بعد از آن برای انجام ادای عمره به مسجد الحرام رفته به سوی کعبه متوجه

می شوی در حالیکه تلبیه می گوئی.

در حال دخول به مسجد الحرام پای راست خود را جلو گذاشته و می گوئی: «بسم الله والصلوة لابن السني وصححه الألباني» والسلام على رسول الله، اللهم افتح لي أبواب رحمتك لمسلم، أعوذ بالله العظيم، ووجهه الكريم، وسلطانه القديم، من الشيطان الرجيم». [ابوداود، وصححه الألباني].

[به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا، به خداوند بزرگ و وجه و روی گرامی، و قدرت قدیم و و ازلی او، از بدی شیطان رانده شده پناه می برم].



و این دعا در هنگام دخول همه مساجد گفته می شود.

سپس بسوی کعبه رفته تا طواف عمره را شروع کنی، و واجب است که با وضوء باشی، و بر مرد سنت است که احرام خود را بطور (اضطباع)^(۴) تا آخر طواف پیوشد، یعنی وسط راء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آنرا بر شانه چپ قرار دهد. و تلبیه با شروع به طواف قطع می شود.

(۴) اضطباع: یعنی وسط راء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. راء همان احرامی است که حاج بر بدن می پوشد.



طواف عمره

توصیف طواف عمره: به حجر الأسود آمده و با دست راست آن را گرفته بوسه دهد، و اگر استلام^(۵) آن میسر نشد با دست راست بسوی آن اشاره کرده و لازم نیست دست خود را بوسید، و می گوید: الله أكبر [بخاری]، اگر بگوید بسم الله، والله أكبر بهتر است [موقوف بر ابن عمر، رواه البیهقی ۷۹/۵، وابن حجر: التلخیص الحییر ۲/۲۴۷، با سند صحیح]، و در آغاز طواف گفتن این دعا مستحب

(۵) استلام: دست کشیدن به چیزی، استلام حجر: دست مالیدن به حجر الأسود در ضمن مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

است: «اللهم إيماناً بك، وتصديقاً بكتابك،
ووفاءً بعهدك، واتباعاً لسنة نبيك محمد ﷺ».
لمنبع سابق].

إبار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به
کتاب تو (قرآن)، و وفا نمودن به عهد و
پیمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو محمد
ﷺ شروع می کنم].

برای عمره کننده بهتر این است که مزاحم
مردم نشود، و آنها را هل ندهد، و آنها را
کتک نزد و دشنام ندهد و آزار و اذیت نکند،
چون اینها اشتباهاتی است که با آن هیبت و
عظمت عبادت از بین می رود.

سپس طواف را هفت شوط^(۶) از نزد حجر
الأسود شروع کرده، کعبه را بر دست چپ
خود قرار دهد، استغفارکنان و دعاکنان به هر
چه بخواهد، و یا تلاوت قرآن، همه اینها
بدون بلند کردن صدا باشد، نه چنانچه بعضی
از مردم آنرا انجام می دهند و صدای خود را
بلند می کنند، چون این باعث تشویش برادران
دیگر می شود.

اگر به رکن الیمانی رسیدی و گرفتن آن

(۶) شوط: هر بار که شخص دور کعبه طواف کند (فرهنگ
فارسی عمید)، همچنین هر بار رفتن از کوه صفا به کوه مروه
یک شوط، و از کوه مروه و به کوه صفا یک شوط (مترجم).

میسر شد، با دست راست آنرا بگیر، ولی
 آنرا نبوس و به آن مسح مکن، چنانچه
 بعضی مردم انجام می دهند، چون این از
 رسول الله ﷺ وارد نشده است، و اینرا در
 هر شوط از طواف انجام می دهی، و اگر
 گرفتن رکن الیمانی میسر نشد بدون اشاره و
 بدون گفتن تکبیر عبور کن.

سنت است که بین رکن الیمانی و حجر
 الأسود این دعا را بگوئی: ﴿رَبَّنَا إِنَّا فِي
 الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ
 النَّارِ﴾.



پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی
عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ، نجات ده].
و همچنین هفت دور را با شروع از حجر
الأسود و با انتهای به آن انجام دهد، و با عبور به
حجر الأسود آنرا گرفته و می‌بوسد، و می‌گوید:
الله أكبر، و اگر گرفتن و بوسیدن آن میسر نشد،
وقتی به مقابل آن رسید با دست راست به آن
اشاره کرده و یکبار تکبیر می‌گوید.
در سه شوط اول طواف قدوم کمی
تندتر راه برود، که آنرا الرمل^(۷) گویند، و اگر
میسر نشد اشکالی ندارد، چون سنت است.

(۷) الرَّمْل: یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها (مترجم).

برادر مسلمانا اگر طواف را به پایان بردی، شانهات را پیوشان، و سنت است که اگر میسر شد دو رکعت نماز به صورت کوتاه، در پشت مقام ابراهیم ادا کنی، و اگر بسبب ازدحام پشت مقام ابراهیم میسر نشد، در هر جا از حرم آن را ادا کن، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره کافرون ﴿ قُلْ يَتَّخِذُ الْكَافِرُونَ ﴾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص ﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴾ خوانده می شود، و اگر غیر از این دو سوره خوانده شد اشکالی ندارد.

بدان که رسول الله ﷺ هنگام پایان بردن طواف به چاه زمزم رفته و از آن نوشیدند، پس مستحب است هرگاه از طواف فراغت یافتی به چاه زمزم رفته و از آب آن بنوشی، یا از کلمن‌های مخصوص آب زمزم بنوشی. و اگر میسر شد به حجر الأسود برگشته و آنرا استلام کنی، و اگر جمعیت زیاد باشد، باید آنرا ترک کرد.



بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای

طواف

❁ بعضی از حجاج هنگام طواف اشتباهاتی انجام می دهند که باید از آن برحذر بود:

❁ بعضی از طواف کنندگان به داخل حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام رفته، ولی قول صحیح این است که طواف داخل حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام باطل است، و هر کس اینرا انجام داد باید به اندازه هر شوط آنها اعاده کند، چون حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام جزوی از کعبه است، و مسلمان مأمور است تا دور کعبه را طواف

کند نه داخل آن را.

❁ بعضی از طواف کنندگان نه تنها تمامی ارکان و نبش کعبه، بلکه به تمامی دیوارهای کعبه، و مقام ابراهیم عليه السلام دست کشیده و مسح می کنند، و رسول الله صلی الله علیه و آله غیر از حجر الأسود و رکن الیمانی چیز دیگری را استلام نکردند.

❁ بعضی ها در اثنای طواف صدای خود را بلند می کنند، و مزاحم برادران دیگران می شوند، و همچنین برای بوسیدن حجر الأسود و نماز خواندن پشت مقام ابراهیم، و در بعضی وقتها برای بوسیدن آن دعوا و مخاصمه می شود، و این درست نیست، و

میان زنان و مردان اختلاط بوجود می‌آید، و این فتنه و اذیت مسلمانان است، و زدن و دشنام به دیگران جایز نیست، و باید اخلاق انسان در مقابل اشتباهات دیگران و اساءت آنان در این جا گذشت و بخشش باشد.

❁ بعضی‌ها برای هر شوط دعای ویژه‌ای از کتابهای خاصی می‌خوانند، که این یک نوع بدعت بشمار می‌رود، و از رسول الله ﷺ هیچ دعائی بجز ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ که بین رکن الیمانی و حجر الأسود گفته

می‌شود، چیز دیگری وارد نشده است.
 و از پیروی رسول اکرم ﷺ این است
 که هیچ دعای خاصی در شوط اول تا شوط
 هفتم نخوانی، و در آخر این کتاب چند
 دعای برگزیده از قرآن کریم و سنت پیامبر
 ﷺ آورده‌ایم تا با آنها دعا کنی و تو را
 از خواندن دعا‌های دیگر بی‌نیاز می‌کند.



اسعی عمره

ای برادر! سپس به سوی صفا و مروه متوجه می شوی، و آنهم دو کوهی است که هاجر همسر ابراهیم علیه السلام هنگامی که تشنگی بر پسرش اسماعیل علیه السلام شدت گرفت بر آن بالا رفت تا دنبال آبی بگردد، و از صفا پائین آمده و کمی راه رفته سپس کمی دویده، سپس باز راه رفته تا اینکه به کوه مروه می رسید، و از آن بالا می رفت، تا کسی را پیدا کند و آب برای خود و پسرش بیاورد، تا اینکه خدا فرج آورد و آب از نزد اسماعیل علیه السلام بیرون آمد.

برادر عمره‌کننده! اگر به کوه صفا نزدیک
 شدی این آیه را تلاوت کن: ﴿إِنَّ الصَّفَا
 وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا
 فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقره: ۱۵۸].

این آیه را در وقت نزدیک شدن به کوه
 صفا قبل از بالا رفتن تلاوت می‌کنی، و غیر
 از اینجا بدایت شوط اول در جای دیگر
 تلاوت نمی‌شود، و در هر شوط تکرار
 نمی‌شود، سپس به کوه صفا بالا برو، و لازم
 نیست تا آخر کوه بالا روی، بلکه کمی از آن

کافی است تا اینکه زمین هموار شود، سپس به سوی کعبه متوجه شده بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

الله بزرگ است (سه بار)، به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر هر چیز توانا است، بجز او معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که

و عده‌اش را تحقق بخشید، و بنده‌اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد.

این ذکر را سه بار تکرار کرده و بین آنها از خیر دنیا و آخرت برای خود و دیگران می‌خواهی، و اگر از سه بار کمتر باشد این شاء الله اشکالی ندارد.

و دست خود را بلند مکن مگر در حال دعا، و در حال تکبیر لازم نیست آنرا بلند کرد.

سپس از کوه صفا پایین آمده به طرف کوه مروه بطور عادی راه رفته، خدا را یاد کرده و برای خود و اهل و برادران مسلمان

دعا می کنی وقتی که به اولین نشان سبزه رنگ رسیدی، در اینحال کمی دویده تا به نشان دوم برسی، تا آنجائی می توانی، سپس راه رفته تا به کوه مروه برسی، و هنگام رسیدن به کوه مروه بالا رفته رو به قبله می کنی، و آنچه را که در کوه صفا انجام دادی آنرا تکرار می کنی آنها عبارتست از: سه بار: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده»، و بین آنها دعا می کنی.

سپس رفته تا اینکه به نشان سبز برسی، و همچنان که ذکر شد انجام می‌دهد تا به کوه صفا برسد.

و همینطور سعی را هفت بار انجام بدهد و شوط هفتم باید به کوه مروه پایان یابد، هر بار که از کوه صفا به مروه رفت، یک شوط، و از کوه مروه به صفا، یک شوط بحساب می‌رود.

آرام راه رفتن در ابتدای سعی اشکالی ندارد، و اگر خسته شدی استراحت کن، و یا با گاری آنرا پایان برسان، اگر وقت نماز رسید و در سعی بودی، نمازت را ادا کن و از



همانجا که سعی را قطع کرده‌ای آنرا ادامه می‌دهی.

و در اثنای سعی مستحب است که انسان وضوء داشته باشد، و اگر سعی کرد و در حال طهارت نبود، سعی او صحیح است، همچنین زن اگر حیض داشت یا نفاس بود، سعی او درست است، چون در سعی طهارت شرط نیست، بلکه مستحب است.



آخرین اعمال عمره

برادر مسلمان! بعد از هفت شوط سعی که از کوه صفا شروع شده بود و در کوه مروه به پایان رسید، موی سر خود را تیغ می‌زنی، اگر نسک تو متمتع بود، و وقت حج نزدیک نباشد، اگر برای حج وقت کافی باشد که موی سرت بلند شود، اگر وقت حج نزدیک بود موی سر خود را کوتاه می‌کنی، و بایستی کوتاه کردن مو شامل تمامی سر شود، نه مانند بعضی از مردم که فقط به کوتاه کردن بعضی از موی سر اکتفا می‌کنند.

زن از هر زلفه خود به اندازه یک بند



انگشت موی خود را کوتاه می کند.

برادر مسلمان! اگر سر خود را تراشیدی و یا کوتاه کردی، چنانکه خدا امر فرموده، و رسول الله ﷺ سنت کرده است، عمرهات به پایان رسیده است، و نسک خود را اتمام کرده ای، و بعد از این همه چیز که قبل از پوشیدن احرام از محظورات احرام بر تو حرام شده بود، بر تو حلال می شود، و لباس خود را می پوشی، و عطر استعمال می کنی، و همسرت بر تو، و هم چنین سایر محظورات احرام بر تو حلال می شود.



ولی برادر حاج اگر حج تو قارن و یا مفرد
باشد موی سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کند،
بلکه در احرام خود باقی می‌ماند تا اینکه روز
عید از احرام بیرون آمده حلال شوی.

اعمال حاج در روز ترویبه (۸ ذی حجه)

روز هشتم (۸) ذی حجه بر حاج متمتع مستحب است که از محل سکونت خود قبل از زوال آفتاب احرام ببندد، و اهل مکه اگر خواستند به حج بروند از خانه‌های شان احرام می‌بندند.

ولی قارن و مفرد که حلال نشده بودند آنها بر احرام خود باقی هستند.

متمتع و کسیکه بخواهد به حج برود احرام بسته همه اعمالی که نزد میقات انجام داده بود از غسل و نظافت و بوخوشی و غیره دوباره انجام می‌دهد، سپس برای حج در قلب خود

نیت کرده می گوید: **(لبیک حجاً)** سپس تلبیه را شروع می کند: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لك لبیک إن الحمد والنعمه لك والمملك، لا شریک لك».

و تمامی حجاج متمتع و قارن و مفرد در این روز قبل از زوال به صحرای منی می روند و در آنجا نماز ظهر و عصر هر کدام را دو رکعت در وقت خود، و نماز مغرب را سه رکعت در وقت خود، و نماز عشاء دو رکعت در وقت خود، و فجر روز نهم دو رکعت می خوانند.

برادر حاج! مستحب است که شب عرفه در

منی صبح کنی چنانکه رسول الله ﷺ انجام دادند، و وقتی نماز صبح را ادا کردی تا طلوع آفتاب متظر شوی، و بعد از طلوع آفتاب تلبیه گویان، و تکبیر گویان به سوی عرفات بروی.

اعمال روز عرفه (۹) ذی حجه

روز عرفه روز مبارکی است خداوند به سبب فراوانی خیرات در آن، و نزول فرشتگان رحمت در آن روز، در قرآن به آن سوگند خورده است، هیچ وقت شیطان حقیرتر و پست‌تر از این روز دیده نشده است.

هرگاه به عرفه رسیدی مستحب است که - اگر برایت میسر شد - در درّه (وادی نمره) تا زوال آفتاب بمانی، چنانکه رسول الله ﷺ آنرا انجام دادند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد که در هر جای دیگر داخل حدود عرفه، - چنانکه با علامت‌ها و نشانه‌ها و

تابلوهای ارشادی بیان شده - بمانی.

پس از طلوع آفتاب، تا غروب آفتاب در عرفه می‌مانی، و وقت خود را در تلبیه و دعا و استغفار و ذکر خدا می‌گذرانی، هنگام زوال آفتاب و دخول وقت ظهر، بر امام سنت است که خطبه‌ای شامل که بیان‌کننده همه چیز در آن روز و روز بعدی باشد بخواند، و مردم را وعظ و پند دهد و نصیحت کند، و به احکام اسلام تذکر دهد، و آنچه بر مسلمان مقابل خدا و خانواده و برادران مسلمان خود واجب است بیان کند، چنانکه رسول الله ﷺ چنین انجام دادند.



سپس نماز ظهر و عصر را قصرأ و جمعأ در وقت ظهر با یک اذان و دو اقامه ادا می‌کند، و قبل از نماز ظهر و بین نماز ظهر و عصر و بعد از نماز عصر هیچ نماز دیگری ادا نمی‌شود.

برادر حاج! و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، در این لحظات خدا را بسیار ذکر کن، تا این فرصت بزرگ از تو فوت نشود، و بسیار دعا و ذکر خدا و تسبیح و تحمید و تهلیل و توبه و استغفار کن، تا اینکه آفتاب غروب کند، و در حال دعا کردن دو دست خود را بلند

کن در حالی که رویت به قبله است، و در حالی که در خضوع و خشوع و فروتنی باشی، رسول الله ﷺ می فرماید: «خیر الدعاء دعاء یوم عرفة، وخیر ما قلت أنا والنبیون من قبلی: لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على کل شیء قدير». بهترین دعا دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته اند: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على کل شیء قدير». (الترمذی، وحسنه الألبانی فی صحیح الترمذی ۲/۱۸۴).

هیچ معبودی بجز الله بحق وجود ندارد،
یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد
از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست.
و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواه.
و از اعمالی که اجر و ثواب را در این
موقف بزرگ از بین می‌برد بر حذر باش.

اشتباهاتی که در روز عرفه رخ می‌دهد

بعضی از حجاج در روز عرفه اشتباهاتی انجام می‌دهند و ما آنرا ذکر می‌کنیم تا از آن برحذر باشی.

۱ - بعضی از حجاج خارج از حدود عرفه می‌نشینند، در حالیکه با نشانه‌ها حدود آن معین شده است، آنها ارشاد و راهنمایی می‌شوند، ولی چون عجله دارند تا از عرفه بیرون روند قبول نمی‌کنند، و این رکن بزرگ را از بین می‌برند، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الحج عرفة». لأبوداود والترمذی.

حج همان روز عرفه و نزول در عرفه

است.

۲ - بعضی از حجاج برای رسیدن به جبل‌الرحمه خود را به زحمت می‌اندازند، و خود را به کوه و سنگ‌های آن می‌مالند و معتقدند که برای آن ویژگی خاصی است، در حالیکه این نوع بدعت است باید از آن اجتناب ورزید، و برای حاج کافی است که داخل حدود عرفه در هر جا که باشد بایستد.

۳ - بسیاری از حجاج در روز عرفه به شوخی و خنده و سخنانی بی‌فایده مشغول می‌شوند، و ذکر خدا و دعا و استغفار را در

این موقف بزرگ ترک می کنند.

۴ - بعضی از حجاج در حال دعا کردن رو به کوه کرده و قبله را پشت سر خود، یا در دست راست، یا دست چپ خود قرار می دهند، ولی سنت این است که اگر میسر شد کوه را بین خود و بین قبله قرار داد، و اگر میسر نشد - غالباً چنین خواهد بود - بسبب ازدحام زیاد - سنت این است که در حال دعا رو به قبله کند، اگر کوه جلو حاج نباشد.

۵ - بعضی از حجاج قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج می شوند، و این جایز

نیست، و باید حاج از عرفات خارج نشود تا اینکه آفتاب غروب کند، تاسی و اقتدا به رسول الله ﷺ کند چنانکه فرمودند: «خذوا عنی مناسککم».

مناسک خود را از من بیاموزید.

۶ - بعضی از حجاج در خروج از عرفه عجله کرده و تلبیه را فراموش می‌کنند، و تمام تلاش او این است که هر چه زودتر به مزدلفه برسد، و اولی و افضل این است که با سکونت و وقار رفته و در جایی که ازدحام نیست، عجله کند، و در مکان ازدحام با آرامش راه برود، و تلبیه بگوید.

ماندن شب در مزدلفه:

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حجاج بسوی مزدلفه بحرکت در می‌ایند، و اولین چیزی که حاج باید وقت رسیدن به مزدلفه انجام دهد ادای نماز مغرب با عشاء جمع و قصر (سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز عشاء) است، و آن شب را در مزدلفه بماند، و حریص باش تا زود بخوابی تا هنگام برخاستن برای ادای بقیه مناسک حج روز عید زرنگ و نشیط باشی.

پس هرگاه که صبح طلوع کرد دو رکعت نماز صبح خوانده سپس بسوی مشعر الحرام

که کوهی در مزدلفه است رفته و نزد آن بایست و در حال حاضر نزد آن کوه مسجدی بنا شده است، و یا در هر جای دیگر از مزدلفه رو به قبله ایستاده و دعا کن و تکبیر و تهلیل و کلمه توحید را بگو و دست خود را بلند کرده بسیار دعا کن، و همچنان دعا را ادامه بده تا اینکه هوا کاملاً روشن شود.

و هرگاه کاملاً صبح روشن شد، قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منی حرکت کن، اگر میسر باشد.

سنت است که فقط هفت سنگریزه برای رمی جمره العقبه روز عید از مزدلفه جمع کنی،

ولی بقیهٔ سنگریزه‌ها از منی جمع می‌شود، این بهتر است، و از هر جا که سنگریزه‌ها برداشته شود جایز است، اما بسیاری از مردم معتقدند که باید سنگریزه‌ها از مزدلفه جمع شود، و این اعتقاد صحیح نیست، بلکه از هر دو جا (مزدلفه و منی) جایز است.

و این سنگریزه‌ها از دانهٔ نخود کمی بزرگتر است، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از غلو و زیاده روی در دین، و از اینکه حجم این سنگریزه‌ها بزرگ باشد نهی فرموده‌اند.

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد وغيرهم،

وصححه الألبانی].

و هرگاه سنگریزه‌ها را از مزدلفه جمع کردی با رعایت بسوی مزدلفه برو، و بسیار تلبیه بگو، و مستحب است هرگاه به وادی محسّر، که دره‌ای بین مزدلفه و منی است رسیدی در سیر و حرکت خود تند بروی، ولی بدون اذیت و آزار دیگران، چنان که رسول الله ﷺ آنرا انجام دادند، [مسلم].

و رسول الله ﷺ برای زنان و بچه‌ها در شب مزدلفه رخصت داده تا آخر شب بعد از ناپدید شدن مهتاب برای رمی جمره العقبه از مزدلفه به منی بروند. در حالیکه ربع شب و یا نزدیک به ربع آن باقی مانده است.



روایت بخاری، و مسلم، و دیگری روایت
أبو داود و نسائی.]

و این حکم خاص و ویژه به اینهاست،
اما مردانی که تحمل زحمت دارند، بر آنها
واجب است که بعد از طلوع آفتاب جمره
العقبه را رمی کنند، تا اینکه به رسول الله
ﷺ تاسی و اقتداء کرده باشند.



اعمال روز (۱۰) ذی حجه (روز عید).

روز دهم ذی حجه، روز عید مسلمانان در تمامی دنیای اسلام است، با سرور و مسرت و خوشحالی آنرا استقبال می کنند، و آن روز حج اکبر است، چون بسیاری از اعمال حج در آن رخ می دهد مانند: رمی، ذبح هدی، تراشیدن سر، طواف کعبه، و سعی بین صفا و مروه.

برادر حاج! هرگاه صبح روز عید به منی رسیدی چهار عمل انجام می دهی که عبارتند از:

۱ - بسوی جمرة العقبه که آخرین جمره بطرف مکه است رفته، و در آنجا تلبیه را قطع کرده، و منی را در دست راست خود قرار ده، و قبله را در دست چپ، و جمره را مقابل خود و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با پرتاپ هر سنگریزه تکبیر بگو.

و این تنها جمراهی است که روز عید رمی می شود، اما بقیه روزها رمی جمره ها بعد از زوال آفتاب خواهد بود.

و جایز نیست که بیشتر و یا کمتر از هفت سنگریزه جمره را رمی کنی، و از غلو

بر حذر باش، چون بعضی از حجاج با سنگ‌های بزرگ، با کفش و غیره آن را رمی می‌کنند، و از مزاحمت، و زد و خورد، و آزار و اذیت برادران مسلمان برای رمی جمره بر حذر باش، چون خداوند عبادت و طاعت خود را با اذیت و آزار برادران مسلمان قرار نداده است.

و از افعالی که بعضی مردم انجام می‌دهند بر حذر باش، آنهم اینکه یکبار همه سنگریزه‌ها را یکدفعه پرتاب می‌کنند، و هر کس اینکار را کرد مانند این است که فقط یک سنگریزه پرتاب کرده است، و باید سنگریزه‌های اطراف

خود را جمع کرده و بقیه هفت بار را تکمیل کند، و همچنین کسی که چیزی از سنگریزه‌ها را گم کرد از اطراف خود سنگریزه را جمع می‌کند، اگر هم نزدیک جمره‌ها باشد.

و همچنین از افعال بعضی از مردم نیز بر حذر باش، که هنگام پرتاب کردن سنگریزه بسوی جمره‌ها صدای خود را بلند کرده و فحش و دشنام می‌دهند معتقدند که شیطان را رمی می‌کنند، و این اعتقاد باطل است، زیرا جمرات بایستی با فروتنی و آرامش و با ذکر خدا و دعا پرتاب شوند، و خداوند رمی جمرات را برای برپا داشتن ذکر و یاد خود

شرع نموده است.

باید حاج در پرتاب جمرات مواظب باشد چون بعضی از حجاج ستون را رمی می‌کنند، در حالیکه بایستی سنگریزه‌ها در حوض بیفتند، چون ممکن است در حال پرتاب ستون، سنگریزه خارج از حوض بیفتند که این از اشتباهات حجاج بشمار می‌رود، و مقصود از پرتاب کردن، افتادن سنگریزه‌ها در حوض است، نه خوردن و اصابت کردن آنها به ستون.

۲ - اگر از رمی جمره فارغ شدی، و حج متمتع و یا قارن بودی، هدی را ذبح کن، و از

آن گوشت بخور و به فقراء صدقه کن، و به کسانی که دوست داری هدیه کن، حال چه ذبح در منی باشد که بهتر است، یا در مکه باشد، و خارج از حدود (مرز) مکه ذبح نمی‌شود.

۳ - و هرگاه از ذبح هدی فارغ شدی، موی سر خود را کوتاه کن و بهتر این است که آنرا با تیغ بزنی، چون رسول الله ﷺ برای کسیکه موی خود را تیغ می‌زند سه بار دعای مغفرت کردند، و فرمودند: «اللهم اغفر للمحلقین، اللهم اغفر للمحلقین، اللهم اغفر للمحلقین». ثم دعا للمقصرین مرة واحدة.

[البخاری و مسلم].

پروردگارا! حلق کنندگان (کسانی که موی سر را تیغ می‌زنند) مورد بخشش قرار بده، و سه بار آنرا تکرار کرد، سپس برای کسانی که موی سر را کوتاه می‌کنند یکبار دعا کرد.

و زن از هر زلفه خود به اندازه یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر حاج! اگر جمره العقبه رمی کردی، و موی سر را تیغ زده و یا کوتاه نمودی، همه چیز بر تو حلال خواهد شد، مگر نزدیکی با زن، و اینرا تحلل اول می‌نامند.

و در اینحال سنت است که خود را تمیز

کرده و عطر زده و بهترین لباس هایت را
پوشی.

۴ - برادر حاج! هرگاه از رمی جمره و
ذبح هدی، و تیغ زدن سر و یا کوتاه کردن
آن فارغ شدی بسوی مکه رفته و طواف کن
که آنرا طواف الإفاضة و یا طواف زیارت
گویند، و صفت آن همانند طواف عمره و یا
طواف قدوم که قبلاً ذکر شد می باشد، ولی
در آن الرمل (یعنی کمی دویدن با نزدیکی
پاها)، و اضطباع وجود ندارد، و طواف
می کنی در حالیکه با وضو هستی و لباس
خود را پوشیده ای، و هنگامی که از طواف

فارغ شدی اگر امکان پذیر بود پشت مقام
 ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخوان، در
 حالیکه در این وقت بر حاج مشکل است که
 پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخواند، آنهم
 بسبب شلوغی و ازدحام شدید، پس بهتر
 است که از مقام دور شود تا نه به مردم اذیت
 رساند، و نه مردم او را اذیت و آزار دهند، و
 از آب زمزم بنوش همچنانکه قبلاً ذکر
 کردیم، سپس بسوی کوه صفا رفته و هفت
 بار بین صفا و مروه سعی کن، چنانکه در
 صفت عمره گذشت، و این سعی بر شخص
 متمتع واجب است، چون سعی اول او برای

عمره بود، و این سعی برای حج اوست.
ولی بر شخص قارن و مفرد، فقط یک
سعی واجب است، پس اگر در طوافِ قدوم
سعی کرده است برای او از سعیِ افاضه
کافی است و لازم نیست دوباره سعی کند، و
اگر قارن و مفرد در قدوم خود سعی نکرده‌اند
سعی بر ایشان واجب می‌شود.
جایز است که طوافِ افاضه را یک و یا
دو روز به تأخیر اندازی، یا اینکه آنرا در
پایان مناسک حج و هنگام خروج از مکه با
طواف وداع انجام دهی، و یک سعی انجام
می‌شود.

برادر حاج! اگر جمرة العقبه را رمی کردی، و موی خود را تیغ زده و یا کوتاه کردی، و طواف افاضه را انجام دادی، و سعی برای کسی که سعی بر او واجب است انجام داد، همه چیز حتی زن بر او حلال می‌شود، و این را تحلل دوم می‌نامند. بهتر است که برادر حاج این چهار چیز را بطور ترتیب چنانکه وارد شده انجام دهد، اول رمی جمرة العقبه، سپس ذبح هدی، بعد تیغ زدن مو و یا کوتاه کردن آن، سپس طواف، و بعد از آن سعی برای متمتع، و شخص قارن و مفردی که با طواف قدوم سعی نکرده باشد.



این چنین رسول الله ﷺ در حجه الوداع انجام دادند.

ولی اگر چیزی بر چیز دیگر تقدیم و یا تاخیر افتاد هیچ اشکالی ندارد و این شاء الله حج صحیح است.

چون یاران از رسول اکرم ﷺ در روز عید پرسش می کردند که تیغ زدن را بر ذبح هدی تقدیم داشته، و یا طواف را بر رمی جمره تقدیم داشته اند ... تا آخر و در جواب آنها حضرت ﷺ می فرمودند: «افعل ولا حرج» انجام ده که هیچ اشکالی ندارد، و این بر این دلالت می کند که خداوند بر بندگانش آسان



صفت حج و عمره و زیارت با دعا

می‌گیرد، و نشانهٔ رحمت و شفقت اوست.
خدایا سپاس برای تو است که آسان
گردانیدی و راه را بر بندگان آشکار نمودی.





اعمالی که حاج در روزهای تشریق انجام می‌دهد

برادر حاج: روزهای تشریق (۱۱، ۱۲، ۱۳) است که روزهای خوردن و آشامیدن و ذکر و یاد خداست و روزه گرفتن در این روزها جایز نیست، مگر برای کسی که هدی پیدا نکرده باشد.

در این روزها چیزهایی بر تو واجب می‌شود که عبارتند از:

- ۱ - سه شب را در منی ماندن، و یا دو شب برای کسیکه عجله داشته باشد، واجب آن است که بیشتر شب را در منی بماند،

چه از اول شب، و چه از آخر آن، ولی بهتر آن است که تمامی شب را در منی بماند و از آن خارج نشود، چه در شب و یا در روز، مگر برای غرض معینی مانند طواف و سعی، سپس به جایگاه خود در منی باز گردد.

۲ - رمی جمرات سه‌گانه هر روز بعد از زوال آفتاب، و اما قبل از زوال آفتاب جایز نیست، چون رسول الله ﷺ بعد از زوال رمی کردند، و اگر جایز بود برای آسان بودن به امت خود آنرا قبل از زوال انجام می‌دادند، و صفت رمی جمره‌های سه‌گانه چنین است:

أ - جمرة اول را که نزدیک به مسجد (خیف) است شروع کرده و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی می کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر می گوید، و باید مطمئن شد که سنگریزه در حوض افتاده است، و اگر در حوض نیفتد کافی نیست، سپس بجلو رفته و کمی از شلوغی دور شده، و رو به قبله کرده و دستها را بلند کرده و از خیر و خوبی دنیا و آخرت از خداوند طلب می کند و بسیار دعا می کند.

ب - سپس به جمرة وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آنرا رمی

می‌کند، و با هر پرتابی تکبیر گفته، سپس کمی از شلوغی دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می‌کند.

ج - سپس بسوی جمره العقبه رفته و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با هر پرتابی تکبیر می‌گویید، ولی بعد از آن در اینجا دعائی نیست، و باید بعد از آن بسوی محل اقامت رفت تا روز دیگر.

سپس باید در روز (۱۲) بعد از زوال آفتاب چنانکه در روز اول انجام شد جمره‌های سه‌گانه را رمی کرد.

پس اگر حاج عجله‌ای داشته باشد قبل

از غروب آفتاب روز (۱۲) از منی بسوی مکه متوجه می شود تا طواف وداع را انجام دهد، و اگر خواست که تأخیر کند، در شب (۱۳) در منی مانده و بعد از زوال آفتاب جمره های سه گانه را چنانکه گذشت رمی می کند.

برادر حاج! سنت است که در این روزها بعد از نمازهای فرض تکبیر گفت و ذکر و یاد خدا را بسیار کرد، شب و روز و هنگام ذبح هدی، و خوردن، و رمی جمره ها، و در همه حال.



طواف وداع

بعد از این که خداوند به آنها توفیق ادای مناسک حج بطور کامل داد و چنان که خدا و رسول خدا ﷺ امر کرده‌اند مناسک حج انجام شد، اینجاست که کاروان‌های حجاج سرزمین‌های مقدس را ترک می‌کنند، و طواف وداع که آخرین واجبات حج است برای کسی که بخواهد از مکه بسوی دیار خود باز گردد واجب می‌شود، رسول الله ﷺ فرمودند: «لا ینصرفن أحدکم حتی یکون آخر عهده بالبيت». [مسلم]، هیچکس (مکه را ترک نکند) مگر اینکه آخرین اعمال و عهد و

پیمان او طواف (کعبه) وداع باشد.
 و درباره زن حائض و نفساء (زایمان)
 رخصت است که طواف وداع را ترک
 کنند، ولی غیر از این افراد ترک طواف
 وداع برای کسی جایز نیست.
 صفت طواف وداع مانند طواف عمره است،
 مگر اینکه حاج با لباس خود طواف می‌کند، و
 در آن (رمل) و (اضطباع) سنت نیست.
 برادر حاج! بعد از طواف دو رکعت
 نماز سنت پشت مقام ابراهیم؛ را اداء کن،
 سپس از حرم خارج شده و دعای خروج از
 مسجد را بگو و آن هم «بسم الله والصلاة»

والسلام على رسول الله، اللهم إني أسألك
من فضلك». لمسلم وغيره.

به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله ﷺ،
الهی! من از تو فضل و احسانت را می خواهم.

سپس با سلامتی و حفظ خدا به وطن
خود بازگردد، اگر بعد از طواف وداع نماز
فرضی آمد و یا خواستی نماز نافله ای
بخوانی اشکالی ندارد، لیکن بایستی زیاد
مکث نکنی، بکوش که طواف وداع آخرین
توقف تو در مکه باشد.



زیارت مسجد رسول الله ﷺ:

برادر مسلمان! خداوند بر تو منت گذاشت و حاجتت را بر تو تمام کرد، نماز در مسجد الحرام را که هر نماز در آن برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است نصیب تو کرده است، از اتمام این فضیلت این است که به زیارت مسجد رسول الله ﷺ در طيبة الطيبة، مدینه المبارکة مهاجر رسول الله ﷺ رفته‌ای و در آنجا نمازی که می‌خوانی هر نمازش برابر هزار نماز در مساجد دیگر می‌باشد، مگر مسجد الحرام، و شما را به چند تذکر یادآوری می‌کنیم:

۱ - زیارت مسجد النبوی طاهر و پاک هیچ ارتباطی به حج ندارد، پس نه از واجبات، و نه از ارکان حج است، و زیارت آن در تمامی سال مستحب است، و چون در این کشور بودی سخن از زیارت آن مناسب آمد، ولی حدیث «من حج ولم یزرنی فقد جفانی» حدیث مجعول و ساختگی است و از رسول اکرم ﷺ نیست.

۲ - برادر زائر! هرگاه به مسجد نبوی وارد شدی مستحب است که پای راست را در هنگام دخول جلو بگذاری و این دعاء را بخوانی: «أعوذ بالله العظیم، وبوجهه

الكريم، وسلطانه القديم، من الشيطان الرجيم، بسم الله والصلاة والسلام على رسول الله، اللهم افتح لي أبواب رحمتك». [روایت و ترجمه آن گذشت].

۳ - دو رکعت نماز تحية مسجد را ادا می کنی، مانند بقیه مساجد، و هر چه خواستی دعا می کنی، بهتر است که این دو رکعت را در روضه شریفه اداء کنی، و آنها بین منبر و بین خانه پیامبر ﷺ که در آن قبر وجود دارد، چون رسول الله ﷺ فرمودند: «ما بین بیته ومنبری روضة من ریاض الجنة، ومنبری علی حوضی». [رواه البخاری ومسلم].

بین منبر و خانه‌ام باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و منبر من در روز قیامت بر حوض کوثر قرار دارد.

۴ - سپس ای برادر زائر به نزد قبر رسول الله ﷺ برای سلام برو، با ادب و فروتنی و با صدای آرام مقابل قبر ایستاده و چنین سلام کن: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، اللهم صل على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد». [البخاري].

إسلام و رحمت و بركات خدا بر تو باد
 ای محمد، بار إلهها! بر محمد و آل محمد
 درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و آل
 ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده و
 باعظمت هستی، بار إلهها! بر محمد و آل
 محمد برکت نازل فرما، همچنان که بر
 ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی،
 همانا تو ستوده و باعظمت هستی.]

و اگر این دعا را اضافه کنی خوب است:
 «أشهد أنك رسول الله حقاً، وأنتك بلغت
 الرسالة، وأديت الأمانة، وجاهدت في الله حق
 جهاده، ونصحت الأمة، فجزاك الله عن أمتك

أفضل ما جزى نبياً عن أمته».

گواهی می‌دهم که تو پیامبر حق بودی،
و رسالت را ابلاغ کردی، و امانت را ادا
نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و امت
را نصیحت فرمودی، پس خدا پادش تو را
بهترین پادشی که هر پیامبری از امت خود
می‌دهد، عطا فرماید.

چون اینها همه از اوصاف او صلی الله علیه و آله می‌باشد.
سپس کمی جلو رفته و بر ابوبکر الصدیق
ﷺ سلام کن، و آنچه مناسب دعای خوب از
رحمت و مغفرت باشد برای او بگو، سپس
کمی به طرف راست جلو رفته و بر عمر بن

الخطاب ﷺ سلام كن و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو.

۵ - برادر زائر! بعضی از زائرین مسجد النبوی کارهایی مخالف با تعالیم اسلام، و گفته پیامبر ﷺ انجام می دهند، پس از آنها بر حذر باش، چون بعضی از زائرین به سنگ‌ها و پنجره‌ها دست می کشند، طوری که می خواهند دور آنها طواف کنند، و بعضی از آنها از رسول خدا ﷺ طلب قضای حاجت و شفای مریضان می کنند، و مانند اینها، که هیچ کدام از اینها جایز نیست، و اگر اینها حق بود، رسول الله ﷺ انجام آن را به ما امر

می فرمودند، و صحابه و یاران رضی الله عنهم آن را انجام می دادند.

۶ - برای زن، زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و دیگر قبرستانها جایز نیست، لیکن زن مسجد النبی را زیارت کرده و در آن عبادت خدا می کند، و از مکان خود بر رسول الله صلی الله علیه و آله درود می فرستد و سلام می کند، چون هر جا باشد این سلام به او می رسد.

۷ - برادر زائر! مادامیکه در مدینه هستی بر مردان زیارت قبرهای بقیع، و از جمله آنها خلیفه سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه و قبرهای

شهدای أحد، و قبر حمزه رضی اللہ عنہ سنت است، چون رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم آنها را زیارت می کرده و بر ایشان دعا می فرمودند، و چنین می فرمودند:

«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإننا إن شاء الله بکم لاحقون، یرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین، نسأل الله لنا ولکم العافیة». [مسلم].

[سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، و ما بخواست خداوند به شما خواهیم پیوست، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید، و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامت و عافیت داریم].

۸ - برادر و خواهر زائر: از اماکنی که زیارت آن جایز است: مسجد قباء است، چون رسول الله ﷺ بطور پیاده و سواره زیارت آن می کردند و در آن دو رکعت نماز می خواندند. [البخاری و مسلم].

و در فضیلت نماز در آن از سهل بن حنیف آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: «من تطهر فی بینه ثم أتى مسجد قباء فصلی فیه کان له كأجر عمره». (النسائی، وابن ماجه، وأحمد والحاكم، وصححه الألبانی).

هرکس در خانه خود وضو بگیرد، سپس به مسجد قباء رفته و نماز بخواند، برای او مانند أجر عمره است.

برادر حاج! در پایان این کتاب تو را به چند وصیت و تذکر سفارش می‌کنیم، ممکن است که به تو نفع برساند، چون فضای وسیع بیت الله الحرام جایی است که به طاعت و بندگی انسان کمک کرده و او را از معصیت دور می‌دارد.

۱ - بر ادای نمازهای پنجگانه در مسجد الحرام حریص باش، و زود در مسجد حاضر باش، و تا آنجایی که در توان باشد در خشوع و خضوع نماز کوشا باش.

۲ - تلاوت قرآن از بزرگترین قربات به خدا است، پس برای خود در این حج و

عمره برنامه‌ای قرار ده تا بتوانی به قدر توانایی خود بخش‌هایی از قرآن را بخوانی.

۳ - نماز در مسجد الحرام برابر با (۱۰۰,۰۰۰) صد هزار نماز در مساجد دیگر است، پس بر ادای نوافل و سنن حریص باش. مردی به نزد رسول الله ﷺ آمد و از او خواست تا در بهشت با ایشان باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: «أعني على نفسك بكثرة السجود». [مسلم].

مرا بر یاریات به بهشت با ادای نوافل بسیار کمک کن. یعنی نوافل و سنن بسیاری انجام ده تا در بهشت با من باشی.

۴ - از نیکی‌هاست که بر اذکار صبح و شام محافظت کنی، پس تلاش کن تا آنرا حفظ نمائی، آنهم از روی بعضی از کتابهای اذکار مانند کتاب الشیخ بکر بن عبدالله ابوزید عضو هیئت کبار علماء.

۵ - بر اخلاق و معامله^۱ خوب حریص باش، و از بدی دوری کن.

۶ - ای برادر! به سوی توبه بشتاب، و صفحه^۲ نو برای زندگی خود باز کن که پر از ایمان و عمل صالح و نیک باشد، امید است که این سفر مبارک در خیری باشد که تو را به خالق و مولایت نزدیک کند.

قَالَ تَعَالَى: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
 لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
 جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ
 وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا
 تُنصِرُونَ ﴿٢﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن
 رَبِّكُمْ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ
 لَا تَشْعُرُونَ ﴿٣﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَنحَسِرْتَنِي عَلَىٰ
 مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ
 ﴿٤﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ
 الْمُتَّقِينَ ﴿٥﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ

أَنْ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٣﴾ بَلَى
 قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ
 مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِينَ
 كَذَبُوا عَلَىٰ اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ
 مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٥٥﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا
 بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٥٦﴾

[الزمر: ٥٣-٦١]

«بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف
 و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید
 نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا
 او بسیار آمرزنده و مهربان است. و به درگاه

پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!». (این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!». یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزگاران بودم!». یا

هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) باز می گشتم و از نیکوکاران بودم!». آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی! و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورتهایشان سیاه است؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟! و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد».

و در پایان:

مؤسسه هدیه الحاج والمعتمر (بنیاد
هدیهٔ حج و معتمرین). از خدا مسئلت
 دارد تا سعی شما مشکور، و حج و عمره‌تان
 مقبول باشد، و شما را سالم و با پاداشی
 فراوان به خانواده‌تان برگرداند، و بر ما و شما
 پایداری و استوار بودن بر دین و عمل نیک
 منت گذارد.



ادمیه ثابت از قرآن و سنت رسول الله ﷺ

﴿ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا

لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾. [الأعراف].

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و

اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از

زیانکاران خواهیم بود.»

﴿ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ^ط إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾

[البقره]. «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو

شنوا و دانایی.»

﴿ وَتُبْ عَلَيْنَا ^ط إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴾

[البقره]. «توبه ما را بپذیر، که تو توبه‌پذیر

و مهربانی.»

﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا
وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴾ [۴۰ ابراهیم].

«پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده،
و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا:
دعای مرا بپذیر.»

﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ
عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴾
[۱۹ النمل]. «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر
من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام

کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن.»

﴿ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحِلْ لِي عُقْدَةَ مِن لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿ [٢٥-٢٨ طه].

«پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند.»

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿

[۱۴۷ آل عمران].

«پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از
تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن!
قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت
کافران، پیروز گردان.»

﴿ رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا
رَشْدًا ﴾ [۱۰ الکهف].

«پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی
عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز.»

﴿ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿۷۷﴾
وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴾ [۹۷-۹۸ المؤمنون].

«پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) - ای پروردگار من - به تو پناه می‌برم!».

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ كُنَّا سَآئِئًا وَلَا نَحْمِلْ عَلَيْنَا إِمْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِلْنَا مَا لَّا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

[۲۸۶ البقره]. «پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مواخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر

گناه و طغیان)، بر کسانی که پیش از ما بودند،
 قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را
 نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما
 بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده!
 تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت
 کافران، پیروز گردان.»

﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
 مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴾ [۸ آل
 عمران]. «پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آنکه
 ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف
 مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما
 ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای.»

﴿ رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۗ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿۶۶﴾ [الفرقان].

«پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است، مسلما آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!».

﴿ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ ۚ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿۷۴﴾ [الفرقان]. «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای

پرهیزگاران پیشوا گردان!».

﴿ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَفَنَا عَذَابَ النَّارِ ﴾ [۲۰۱ البقره].

«پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا
کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و
ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

«اللهم إني أعوذ بك من فتنة النار وعذاب
النار، وفتنة القبر، وعذاب القبر، وشر فتنة
الغنى، وشر فتنة الفقر، اللهم إني أعوذ بك من
شر فتنة المسيح الدجال اللهم اغسل قلبي بماء
الثلج والبرد، ونق قلبي من الخطايا كما نقيت
الثوب الأبيض من الدنس، وباعد بيني وبين

خطایای کما باعدت بین المشرق والمغرب.
اللهم انی أعوذ بك من الكسل والمأثم
والمفرم». [البخاری ومسلم].

خدایا از فتنه دوزخ و عذاب دوزخ، و
فتنه قبر، و عذاب قبر، و شر فتنه ثروت مندی،
و شر فتنه فقیری، به تو پناه می برم. خدایا از
فتنه دجال مسیح به تو پناه می برم، خدایا،
قلبم را با آب یخ و تگرگ بشوی، و قلبم را
از گناهان پاک گردان، همچنانکه لباس سفید
از چرک پاک می شود، و بین من و بین
خطاهایم دوری بینداز، چنانکه بین مشرق و
مغرب فاصله انداختی.

خدایا! از تنبلی و پیری و گناه و بدهکاری،
به تو پناه می برم.

«اللهم اني أعوذ بك من العجز والكسل،
والجبين والهرم والبخل، وأعوذ بك من عذاب
القبر، ومن فتنة المحيا والممات». [البخاری
ومسلم].

خدایا! همانا من از ناتوانی و تنبلی و
ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر، و
از فتنه زندگی و برزخ، به تو پناه می برم.

«اللهم اني أعوذ بك من جهد البلاء، ودرک
الشقاء، وسوء القضاء، وشماتة الأعداء». [البخاری
ومسلم].

خدایا! من از شدت رنج بلا، بدبختی،

قضا و سرنوشت بد، و از خوشحالی دشمن،
به تو پناه می برم.

«اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة
أمري، وأصلح لي دنياي التي فيها معاشي،
وأصلح لي آخرتي التي إليها معادي، واجعل
الحياة زيادة لي في كل خير، واجعل الموت
راحة لي من كل شر». لمسلم.

خدایا! دین مرا اصلاح کن، که آن سبب
سلامت کار من است، و دنیایم را اصلاح
کن، که روزی من در آن است، و آخرت مرا
اصلاح کن، که معاد و بازگشت من به آن
است، و زندگی را در خیر بسیار، و مرگ را
از هر شر برایم راحت بگردان.

«اللهم إني أسألك الهدى، والتقى،
والعفاف، والغنى». لمسلم.
خدایا! از تو هدایت و تقوا و پاکی و
بی نیازی خواهانم.

«اللهم إن أعوذ بك من العجز، والكسل،
والجبين، والبخل، والهرم، وعذاب القبر، اللهم
آت نفسي تقواها، وزكها أنت خير من زكاها.
أنت وليها ومولاها».

خدایا! هر آینه من از ناتوانی و تنبلی و
ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر به تو
پناه می برم، خدایا! به نفسم تقوا عطا فرما و آن
را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک کنندگانی. تو
مالک نفس من و صاحب آن هستی.

«اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع، ومن قلب لا يخشع، ومن نفس لا تشبع، ومن دعوة لا يستجاب لها». [مسلم].

خدایا! از علم و دانشی که سود و فایده‌ای نمی‌رساند، و از دلی که فروتن نمی‌شود، و از نفسی که سیر نمی‌شود، و از دعایی که مستجاب نمی‌شود، به تو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك، وتحول عافيتك، وفجاءة نقمتك، وجميع سخطك». [مسلم].

خدایا! من از زوال و نیست شدن نعمت بر خودم، و از برگشتن تندرستی‌ام (به سوی بیماری و ناخوشی) و از عقوبت ناگهانی‌ات، و

از خشم و غضبت، به تو پناه می برم.

«اللهم أكثر مالي، وولدي، وبارك لي
 فيما أعطيتني، وأطل حياتي على طاعتك
 وأحسن عملي، واغفر لي». (أوله في البخاري
 ومسلم من دعاء النبي ﷺ لأنس، وآخره
 أخرجه البخاري في الأدب المفرد، والترمذي).
 خدایا مال و اولاد را زیاد کن، و بر
 آنچه به من عطا فرمودی برکت ده، و زندگیم
 را بر طاعت خود طولانی، و کارم را نیک
 بگردان، و گناهم را ببخش.

«لا إله إلا الله العظيم الحليم، لا إله إلا
 الله رب العرش العظيم، لا إله إلا الله رب
 السموات، ورب الأرض ورب العرش الكريم».

[البخاری و مسلم].

معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و
بردبار. معبودی به حق نیست مگر پروردگار
عرش بزرگ. معبودی به حق نیست مگر
پروردگار آسمانها و زمین و عرش بزرگ.

«اللهم رحمتك أرجو فلا تكلني إلى نفسي
طرفه عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا
أنت». [أبو داود وأحمد وحسنه الألباني وغيرهما].
خدایا، من رحمتت را آرزومندم، پس
هرگز مرا به خود به یک چشم زدن هم
وامگذار، و تمامی امورم را اصلاح فرما،
خدایی بحق نیست مگر تو.

«اللهم إني عبدك ابن عبدك، ابن أمتك،
 ناصيتي بيدك، ماض في حكمك، عدل في
 قضاؤك. أسألك بكل اسم هو لك سميت به
 نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحداً
 من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب
 عندك، أن تجعل القرآن ربيع قلبي، ونور
 صدري، وجلاء حزني، وذهاب همي».

[أحمد والحاكم، وحسنه ابن حجر، وصححه
 الألباني].

خدایا من بنده توام، پسر بنده تو، پسر
 کنیز تو، پیشانی‌ام (زامم) به دست توست،
 حکمت بر من جاریست، و حکمت بر من
 عدل است، از تو خواهانم با توسل به هر
 اسمی که از آن تو است، و تو خود را به آن

نامیده‌ای، و یا آنر در کتاب نازل کرده‌ای، و
یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‌ای، و یا
آنرا در علم غیب نزد خود برگزیده‌ای، که
قرآن را بهار قلبم، و نور سینه‌ام، و صیقل
دهنده اندوهم، و دور کننده غمم بگردانی.

«اللهم مصرف القلوب صرف قلوبنا على
طاعتك». لمسلم.

ای دگرگون کننده دل‌ها! دلم را به سوی
طاعتت هدایت کن.

«اللهم إني أعوذ بك من شر سمعي، ومن
شر بصري، ومن شر لساني، ومن شر قلبي،
ومن شر مني»، لأبو داود والنسائي والترمذي،
وصححه الألباني.

خدایا، من از شر گوش، چشم، زبان،
قلب، آرزویم، بتو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من منكرات الأخلاق،
والأعمال، والأهواء». [الترمذي وابن حبان
والحاكم والطبراني].

خدایا، از بدی اخلاق، و اعمال، و هوا و
هوس به تو پناه می‌برم.

«اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف
عني». [الترمذي].

خدایا، تو عفو کننده و کریم هستی، و
عفو را دوست داری، پس مرا عفو نما.

«اللهم إني أسألك فعل الخيرات، وترك
المنكرات، وحب المساكين، وأن تغفر لي،

وترحمني، وإذا أردت فتنة قوم فتوفني غير مفتون، وأسألك حبك، وحب من يحبك، وحب عمل يقربني إلى حبك». لأحمد والترمذي والحاكم.

خدایا، من از تو اعمال خیر، و ترک منکرات، و محبت مساکین را خواهانم. مرا بیخشی، و رحمت کن، و اگر به قومی فتنه‌ای خواستی، مرا بدون فتنه بمیران، و محبت تو، و محبت کسانی که تو را دوست دارند خواهانم، و محبت عملی را که به محبت تو نزدیک می‌کند.

«اللهم إني أسألك من الخير كله عاجله و آجله، ما علمت منه وما لم أعلم، وأعوذ بك من

الشر كله عاجله وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم. اللهم إني أسألك من خير ما سألك عبدك ونبيك، وأعوذ بك من شر ما أعاذ منه عبدك ونبيك. اللهم إني أسألك الجنة، وما قرب إليها من قول أو عمل، وأعوذ بك من النار وما قرب إليها من قول أو عمل، وأسألك أن تجعل كل قضاء قضيت له لي خيراً». لابن ماجه وأحمد والحاكم وصححه ووافقه الذهبي.]

خدایا! همه خیرات را از تو خواهانم، زود و دیر، آنچه من می دانم، و آنچه نمی دانم، و از همه شرور به تو پناه می برم، زود و دیر، آنچه من می دانم، و آنچه نمی دانم، خدایا، از بهترین چیزی که بنده و

پیامبرت از تو پرسیدند، خواهانم، و از بدترین چیزی که بنده و پیامبرت از آن پناه خواستند، پناه می‌خواهم، خدایا، بهشت و آنچه مرا به آن نزدیک می‌کند از قول و عمل، از تو خواهانم، و از دوزخ، و آنچه به آن نزدیک می‌کند، از قول و عمل، به تو پناه می‌برم. و از تو خواهانم آنچه برایم سرنوشت کرده‌ای، همه آنرا را خیر بگردان.

«اللهم احفظني بالإسلام قائماً، واحفظني بالإسلام قاعداً، واحفظني بالإسلام راقداً، ولا تشمت بي عدواً، ولا حاسداً. اللهم إني أسألك من كل خير خزائنه بيدك، وأعوذ بك من كل شر خزائنه بيدك.»

الحاکم و صححه و وافقه الذهبی].
 خدایا! مرا مسلمانی، ایستاده و نشسته و
 خوابیده نگهدار، و دشمنی و حسد کننده‌ای
 را بر من خوشحال مگردان، خدایا، هر خوبی
 را که گنجینه آن به دست توست، از تو
 مسئلت دارم، و از هر شری که گنجینه‌اش به
 دست توست، به تو پناه می‌برم.

«اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به
 بيننا وبين معاصيك، ومن طاعتك ما تبلغنا به
 جنتك، ومن اليقين ما تهون به علينا مصائب
 الدنيا، اللهم متعنا بأسماعنا، وأبصارنا،
 وقواتنا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل
 ثأرنا على من ظلمنا، وانصرنا على من عادانا،

ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا تسلط علينا من لا يرحمنا.

[الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا! از ترس خود به ما ارزانی بدار تا مانع ما از ارتکاب گناه باشد، و از طاعت خود به ما عطا فرما تا ما را به بهشت برساند، و یقین به ما ارزانی دار تا مصیبت‌های دنیا بر ایمان آسان گردد، و گوش و چشم‌های مان، و سایر قوای بدنی مان را تا زنده‌ایم از ما بگیر، و آنرا نگاه، و ما را صاحب این نعمت‌ها (گوش، و چشم، و سایر قوای بدن) بگردان، (نه اینکه قبل از مردن از بین برود)،

و انتقام ما را از ستمگران بگیر، و بر دشمنان نصرت ده، و مصیبت ما را در دین ما قرار نده، و دنیا را مهم‌ترین قصد و اراده ما قرار مده، و دنیا را منت‌های علم و دانش ما قرار مده، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.

«اللهم إني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً ولا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي مغفرة من عندك، وارحمني إنك أنت الغفور الرحيم».

[البخاری و مسلم].

خدایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا بیامرزد، به خاطر فضل

وكرم خودت، و به من رحم فرما. همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی.

«اللهم إنا نسألك موجبات رحمتك، وعزائم مغفرتك، والسلامة من كل إثم، والغنيمة من كل بر، والفوز بالجنة، والنجاة من النار». «الحاكم وصححه وواقفه الذهبي».

خدایا، آنچه که موجب رحمت می شود، و به مغفرت کمک می کند، و سلامتی از هر گناه، و غنیمت از هر خیر، و فیروزی بهشت، و نجات از دوزخ را، از تو خواهانم.

«اللهم اجعل أوسع رزقك على عند كبر سني، وانقطاع عمري». «الحاكم وصححه الألباني».

خدایا، فراخی روزیت را در هنگام پیریم، و از دنیا رفتنم قرار ده.

«اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم، وأستغفرك لما لا أعلم». لا حمد و صححه الألباني.
 خدایا، من از اینکه دانسته به تو شرک ورزم، به تو پناه می برم، و از آنچه نمی دانم استغفار می کنم.

«اللهم إني أسألك علماً نافعاً، ورزقاً طيباً، وعملاً متقبلاً». [ابن ماجه، و صححه الألباني].
 خدایا، علمی سودمند، و روزی حلال، و عملی مقبول از تو خواهانم.

«اللهم إني أسألك خيراً المسألة، وخير

الدعاء، وخير النجاح، وخير العمل، وخير الثواب، وخير الحياة، وخير الممات، وثبتني، وثقل موازيني، وحقق إيماني، وارفع درجاتي، وتقبل صلاتي، واغفر خطيئتي، وأسألك الدرجات العلى من الجنة، اللهم إنى أسألك فواتح الخير، وخواتمه، وجوامعه، وأوله، وظاهره، وباطنه، والدرجات العلى من الجنة آمين. اللهم إنى أسألك خيراً ما أتى، وخيراً ما أفعل، وخيراً ما أعمل، وخيراً ما بطن، وخيراً ما ظهر، والدرجات العلى من الجنة آمين.

اللهم إنى أسألك أن ترفع ذكري، وتضع وزري، وتصلح أمري، وتطهر قلبي، وتحصن فرجي، وتور قلبي، وتغفر لي ذنبي، وأسألك الدرجات العلى من الجنة آمين.

اللهم اني أسألك أن تبارك في نفسي، وفي سمعي، وفي بصري، وفي روحي، وفي خلقي، وفي خلقي، وفي أهلي، وفي محيأي، وفي مماتي، وفي عملي، فتقبل حسناتي، وأسألك الدرجات العلى من الجنة آمين.

الحاكم وصححه ووافقه الذهبي.

خدایا، بهترین مسئلت، و بهترین دعا، از تو خواهانم، و بهترین پیروزی، و بهترین عمل، و بهترین پاداش، و بهترین زندگی، و بهترین مُردنی از تو خواهانم، مرا پایدار گردان، و ترازوی اعمال نیکم را سنگین گردان، ایمانم را به یقین برسان، و درجاتم را بلند، و نمازم را قبول فرما، و گناهم را

ببخش، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، خدایا، فاتحه و خاتمه خیرها، و جامع آن، و ظاهر و باطن آن، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، بهترین چیزی که بر آن می‌ایم، و انجام می‌دهم، و بهترین آشکار و درون، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، از تو خواهانم تا ذکرم را بلند گردانی، و گناهم را بکاهی، و امورم را اصلاح کنی، و قلبم را پاک گردانی، و شرم گاهم را محفوظ بداری، و قلبم را نورانی کنی، و گناهم را ببخشی، و بلندترین درجات

بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا! از تو می‌خواهم که در نفس،
گوش، چشم، روح، خلقت، اخلاق، اهل،
زندگی، مردن، کارم، برکت دهی، و
نیکی‌هایم را مقبول گردانی، و بلندترین
درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.

«اللهم متعني بسمعي، وبصري، واجعلهما
الوارث مني، وانصرني على من ظلمني، وخذ
منه بثأري». [الترمذي، والحاكم وصححه
ووافقه الذهبي].

خدایا، در گوش، چشم مرا خوش
بگذران، و وارث من قرار ده، و مرا بر کسی

که به من ستم کرد نصرت ده، و انتقام مرا از او بگیر.

«اللهم اني أسألك عيشة نقيه، وميته سوية، ومرداً غير مخزٍ ولا فاضح». (البزار في الزوائد، والطبراني).

خدایا! زندگی پاک، و مردنی خوب و بازگشتنی بدون خواری و رسوائی، از تو خواهانم.

اللهم صلی وسلم علی محمد وعلی آلہ وصحبہ أجمعین.

صفة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء

إعداد: مؤسسة هدية الحاج والمعتمر - المكتب العلمي

مراجعة: نخبة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

طبع ونشر:

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

المملكة العربية السعودية

صفة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء

إعداد

مؤسسة هدية الحاج والمعتمر

المكتب العلمي

مراجعة

لجنة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهَذَا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا إِسْئَارُ رَحْمَتِهِ
وَالشُّكْرُ لِلَّهِ

١٤٣٦ هـ